

# امتداد گفتمانی در نظام جمهوری اسلامی ایران؛ تاکید بر عظمت عمل شهدا و ایثارگران در کلام رهبران انقلاب اسلامی

دانیال رضاپور\*

خسرو دانش آبکنار\*\*

## چکیده

همیشه بحث از دفاع مقدس و جهاد فی سبیل الله در کلام رهبران جمهوری اسلامی ایران جایگاه رفیعی داشته است. آنان به مناسبت های مختلف دستاوردهای دفاع مقدس و شهدای آن را ستوده اند. حال در اینجا با به کارگیری روش تحلیل گفتمان به دنبال یافتن خط فکری واحد در رابطه با شهدا در کلام رهبران انقلاب هستیم؛ بنابراین سؤال ما از این قرار است:

آیا در فرمایشات رهبران انقلاب اسلامی در ستایش و توصیف جایگاه شهدا و ایثارگران خط فکری واحدی مشاهده می شود؟ یافته ها حاکی از آن است که با توجه به تحلیل گفتمان بیانات و فضای عقیدتی رهبران انقلاب- که اسلام در رأس آن جای دارد- می توان بر عظمت مقام شهید و تجلیل از ایثارگران همواره در بیانات دو رهبر به صورت مداوم تأکید کرد.

**کلیدواژه ها:** تحلیل گفتمان، امام خمینی، آیت الله خامنه ای، شهدا، رزمندگان.

\* دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

Danyalrezapoor@Gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه گیلان

## مقدمه

طوفان جنگ در 31 شهریور 1359، به راه افتاد. همچنان که تهاجم در حال تولد بود، حماسه ای برتر از درون فرهنگ و باورهای ژرف ملتی مؤمن سرچشمه می گرفت. این حماسه که «دفاع مقدس» نام گرفت، روزبه روز بالنده تر شد و چنان کوهی استوار در برابر تهاجم دشمن قد علم کرد.

همین کافی بود تا دشمن را متقاعد سازد که در محاسباتش دچار اشتباهی بزرگ شده است (حکیمی، 18:1360). از این رو، دوران هشت ساله دفاع مشروع امت سلحشور ایران در حفظ و اعتلای نظام مقدس اسلامی و حراست از مرزهای عزت و شرف این مرزوبوم، به مثابه یکی از حساس ترین و بارزترین برهه های

حیات راستین این ملت، همچون نگینی تابناک تا همیشه زمان، بر تارک تاریخ حماسه و ایثار و پایداری آزادگان جهان خواهد درخشید. دفاع امت اسلامی ایران در برابر تجاوز هم هجانبه دشمنان اسلام، در تاریخ افتخارآفرینی مبارزات حق طلبانه، یک ملت سترگ، فروزان خواهد بود. پایداری ایران اسلامی که برخاسته از روح وحدت و ایمان بود، در سایه هدایت های رهبر کبیرانقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) شکل گرفت و باعث احیای یک مکتب سازنده و نهضت بیداری اسلامی در جهان شد.

دفاع مقدس ما در زمینه های مختلف سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و ... توانست معادلات جهانی معمول را بر هم زند و تحلیل های مادی دنیاپرستان را نقش بر آب سازد. این حادثه عظیم، بی شک در یاد ملت ایران خواهد ماند و غرور و سرافرازی و حماسه آفرینی را در نسل های بعد بر جای خواهد گذاشت.

به راستی چرا دشمن نتوانست ظهور این حماسه را پیش بینی کند؟ این عوامل ناپیدا از دید دشمن که موازنه قدرت را که در ظاهر به نفع او بود، برهم زد عوامل فرهنگی و معنوی بود. امام خمینی در این باره می فرماید: «آن ها حساب همه چیز را می کردند الا یک حساب و آن حساب، معنویت بود. آن ها توجه به این نداشتند که ملت همه باهم علاقه به خدا دارند و علاقه به اسلام (صحیفه نور، ج 13، 277)».

حضرت آیت الله خامنه ای نیز درای نباره فرموده است: «محاسباتشان از عنصر «توکل» و «ایمان به خدا» خالی بود و آن را در زندگی ما به حساب نیاورده بودند» (حدیث ولایت، ج 5، 124)

تمسک فرماندهان و رزمندگان به فرهنگ ناب اسلامی، الهام گرفتن از باورهای ژرف دینی، اقتدا به سیره جهاد معصومان به ویژه نهضت حرکت آفرین عاشورا، آراسته شدن به ارزش های پیروزی آفرین اسلامی و امید داشتن به امداد غیبی از جمله این ویژگی هایند. همچنین، استفاده قابل قبول از سلاح تبلیغات و نیز هنر و ادبیات در جهت خنثی کردن تهاجم تبلیغاتی دشمن و افزایش روحیه رزمندگان را باید از ویژگی های دفاع مقدس برشمرد. از عوامل مهم معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ارزش های اسلامی است که رزمندگان اسلام به آن ها پایبند بودند.

دفاع در قانون طبیعت یکی از اصول استوار بقاء و حفظ شرافت انسان هاست.

در میان تمام دفاعیاتی که توسط انسان در برابر هجمه های گوناگون صورت می گیرد، مقدس ترین و باارز شترین آن ها دفاع از عقیده است و بدون شک دوران هشت ساله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از افتخارات بزرگ و بی نظیر ایران اسلامی است؛ و بر همین اساس است که مقام معظم رهبری فرموده اند: «دوران دفاع مقدس، اوج افتخارات ملت ایران است.»

لذا برای حفظ و انتقال ارزش های دفاع مقدس بایستی این فرهنگ با جدیت در برنامه ریزی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور تثبیت گردد.

در حقیقت بزرگداشت شهیدان از یک سو تعظیم صبر و صلابت و تکریم فخر و شرافت است و از سویی تعمیم شور و حماسه و تحصیل نور هدایت و تکریم و تجلیل. گرامیداشت شهدای انقلاب شکوهمند اسلامی و شهدای دفاع مقدس پژوهاک شمشیرهایی است که در عرصه های چهارده قرن مصاف اسلام با کفر طنین افکنده است. برقی که از شمشیر رزم آوران اسلام در بدر و چنین درخشید و در صفین و نهروان چشم فتنه را کور کرد و در کربلا کاخ ستم را سوزاند، سفیر رعدش در فضای ملکوتی بهمن ماه 1357 و هشت سال حماسه دفاع بر نفیر کفر و نفاق فرود آمد و پیام شورانگیز «نصر من الله و فتح قریب» را به جهان و جهانیان اعلام کرد.

اینک گرامیداشت آن همه رشادت ها و شهادت ها همچون نسیم معطری است که بار دیگر عطر دل انگیز آن لاله های بهشتی را به مشام جان زمینیان می رساند و پرتو هدایتی از کهکشان روشن آن حماسه سازان را، فرا راه رهروان و آیندگان قرار می دهد، این کار در گرو حمایت بی دریغ و همکاری همه عزیزانی است که میراث دار افتخارات گذشته و پاسدار

اعتبارات امروز و خواستار انتظارات آینده اند. گرمی و جاوید باد اخلاص و ایثار شهدای گران قدری که ایمان به آستان امام و اطاعت از مقام ولایت را توشه خود ساختند و سلحشور و سرافراز بر سر سودای یار سر باختند.

از این رو سؤال اصلی ما در مقاله این است که: آیا در بیانات رهبران انقلاب اسلامی در ستایش و توصیف جایگاه شهدا و ایثارگران خط فکری واحدی مشاهده می شود؟ فرضیه ما هم از این قرار است که با توجه به تحلیل گفتمان بیانات و فضای عقیدتی رهبران انقلاب-که اسلام در رأس آن جای دارد-می توان بر عظمت مقام شهید و تجلیل از ایثارگران همواره در بیانات دو رهبر به صورت مداوم تأکید کرد.

بنابراین در این مقاله ابتدا سعی خواهیم کرد در مورد تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف که مبنای کار این پژوهش قرار دارد مباحثی را برای آشنایی بیشتر در اختیار خوانندگان قرار دهیم و بعد از آن با تحلیل بیانات رهبران انقلاب بر مبنا تحلیل گفتمان انتقادی فر کلاف بتوانیم از طریق توصیف و تبیین بیانات و فرموده ها، گفتمان و عقاید این دو رهبر بزرگوار را در مورد مقام شامخ شهدا و ایثارگران بیان کنیم.

**چارچوب نظری**

هر جامعه ای برای تداوم نیازمند یک نظام معنایی است. البته، در کنار نظام معنایی مسلط ممکن است یک یا چند نظام معنایی فرعی و رقیب هم وجود داشته باشند، این نظام معنایی را برخی گفتمان می-نامند؛ که می توان زبان را به صورت انتزاع یا از طریق گرامر و نحو و یا از طریق انضمامی آن و در کاربرد جامعه شناسانه آن فهمید. از این رو اگر بتوانیم خطابه را هم جز گفتمان محسوب کنیم منشأ تحلیل گفتمان به نظریات قدیم خطابه بازمی گردد (van dijk, 2001)؛ اما تحلیل گفتمان اصطلاحی است که اگرچه حوزه های بسیار وسیعی را در برمی گیرد ولی هنوز تعریف دقیقی از آن ارائه نشده است. این واژه را در طی زمان با معانی متفاوت، ولی نزدیک به هم به کار برده اند؛ اما به گفته تئونای ون دایک مفهوم آن مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، مفهومی اساساً مبهم می باشد. (van dijk, 2001) (اصلاح گفتمان ظاهراً اولین بار در مقاله تحلیل گفتمان نوشته هریس به کار رفت که هریس در این مقاله دیدی صورت گرایانه و ساخت گرایانه از سازه های بزرگ تر از جمله دارد و به صوید تحلیل گفتمان نگاهی صرفاً صورت گرایانه به متن است (فخام زاده، 3: 1375) در مقابل عده ای معتقد بودند که تحلیل گفتمان شامل ساختمان زبان گفتار مانند گفتگوها، مصاحبه ها، تفسیرها و سخنرانی هاست و حتی چندی نگذشت که بعضی از زبان شناسان آن را در معناهای متفاوتی به کار بردند. از آنجای یکه در تحلیل گفتمان فقط به بافت متن کار نداریم بلکه فراتر از آن به عوامل برون زبانی یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی سرکار داریم. پس به گفته دکتر لطفی پور می توان تحلیل گفتمان را چگونگی تبلور و شکل گیری معنا و پیام های زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (بافت متن) واحدهای زبانی؛ محیط بلافاصله زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی، عوامل برون زبانی (افت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی کرد (لطفی پور ساعدی، 10: 1372) درواقع، گفتمان ها نظام هایی خود بنیان هستند که برای رسیدن به قدرت، زبان و همه پدیده های اجتماعی دیگر را در سیطره خود به صیرند. به عبارتی، گفتمان، نظامی است شامل که از زبان بزرگتر بوده و چگونگی آن را تعیین می کند (سلطانی، 25: 1383) میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی، گفتمان را مجموعه ای از احکام می داند که در شرایط ویژه ای وجود می یابند. وی می نویسد:

«ما مجموعه ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت بندی گفتمانی مشترکی باشند، گفتمان می-نامیم. گفتمان متشکل از تعداد محدودی از احکام است که می توان برای آن ها مجموعه ای از شرایط وجودی را تعریف کرد» (فر کلاف، 182: 1379)

فیلیپس و یورگنسن نیز در یک تعریف مقدماتی، گفتمان را شیوه ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن یا یکی از وجوه آن معرفی می کنند (فیلیپس و یورگنسن، 24: 1389) دغدغه اصلی در نظریه گفتمان آن است که مردم در جوامع چه درک و شناختی درباره خوددارند.

به عبارت دیگر، تعریف مردم در جوامع گوناگون از خودشان چیست؟ و به تبع این تعریف و شناخت، الگوی رفتاری آن‌ها کدام است؟ (مارش و استوکر، 147: 1378) از دید لاکلا و موف، گفتمان کلیت ساختاریافته ناشی از عمل مفصل بندی است. مفصل بندی، هر نوع عملی است که رابطه‌ای را بین مؤلفه‌های متعدد برقرار کند؛ به گونه‌ای که هویتشان به علت قرار گرفتن در این مفصل بندی تحول یابد. از سوی دیگر، توانش به کار نرفته در هر مفصل بندی را می‌توان «میدان گفتمان» نامید. به عبارتی، میدان گفتمان کلیه حالت‌های ممکن است که گفتمان طرد می‌کند و درعی نحال در خارج از خود، به آن‌ها مرتبط می‌شود (1985). (Laclau & Mouffe)، به این ترتیب است که با استفاده از تحلیل گفتمان می‌توان علاوه بر توصیف یک گفتمان موجود، عوامل سازنده و علل شکل‌گیری آن در گذشته را نیز جستجو کرد. با کوشش برای تعریف گفتمان، ممکن است به لغتنامه‌ها، بافت ماده علمی، پار هگفتارها، یا به اصطلاحاتی که در تقابل با گفتمان به کار می‌روند، متوسل شویم؛ هرچند هیچ‌یک از این تدبیرها معنایی سراسر و روشن به دست نمی‌دهند و بلکه تنها سیالیت آن را به رخ خواهند کشید (تاجیک، 24: 1383).

بنابراین در یک جمع بندی می‌توان گفت که در تحلیل گفتمان ما با دو عنصر کلیدی سروکار داریم:

- 1- بافت متن: منظور این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است جملات ماقبل و مابعد آنچه تأثیری در تبلور کارکردی صورتی معنایی آن دارد.
- 2- بافت موقعیت: یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است مدنظر قرار می‌گیرد. بافت‌های فرهنگی اجتماعی، محیطی و سیاسی همگی از این نوع هستند.

پس اگر محقق گفتمان را به منزله متن (اعم از گفتاری و نوشتاری) در نظر گرفته است سطح تحلیل او توصیفی (تحلیل متن) است؛ و اگر محقق گفتمان را به منزله کنش متقابل بین فرایند تولید و فرایند تفسیر متن در نظر به صیرد و می‌خواهد در بطن جریان تولید متن و متن و جریان تفسیر متن و متن را بررسی کند سطح تحلیل او ناظر به تحلیل فرآیندها یا تفسیر متن است. اگر نهایتاً محقق گفتمان را بافت یا زمینه کلی‌ای که متن در آن تولید و تفسیر می‌شود در نظر بگیرد تحلیل او تبیینی درعین حال اجتماعی است چراکه این سطح تحلیل نه تنها ناظر به کردار گفتمانی (کنش متقابل بین فرآیندهای گفتمانی تولید و تفسیر متن و متن) است بلکه به کردار اجتماعی و فرهنگی یا به عبارت بهتر به بافت و زمینه کلی متن معطوف است (تاجیک و دیگران، 62: 1378).

پیش شرط‌های تحلیل گفتمان

1-متن گفتار واحد توسط انسان های مختلف، متفاوت نگریسته می شود؛ یعنی انسان های مختلف از متن واحد برداشت یکسان ندارند.

2-خواندن ( برداشت و تفسیر از متن )همیشه نادرست خواندن ( برداشت نادرست از متن )است.

3-متن را بایستی به عنوان یک کل معنادار نگریست و این لزوماً در خود متن نیست.

4-حقیقت همیشه درخطر است .در هر گفتمانی حقیقت نهفته است اما هیچ گفتمانی دارای تمامی حقیقت نیست.

5-عنا همان قدر که از متن ناشی می شود، از بافت یا زمینه های اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیر می پذیرد . معنا و پیام متن در بین نوشته های آن متن قرار دارد.

6-هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار ( نه لزوماً سیاسی )مرتبط است (تاجیک و دیگران،، 51 : 1378 )

روش تحلیل گفتمان در بستر اندیشه های پس تمدن بسط و گسترش یافته است این روش دارای رویکردهای گوناگونی همچون رویکرد «ساختارگرایانه، کارکردگرایانه، تحلیل انتقادی گفتمان، رویکرد پسساختارگرایانه (دیرینه شناسی و تبارشناسی )و تحلیل گفتمان لاکلاو و موف « می باشد ازاین رو تمامی رویکردهای «تحلیل گفتمانی « در بستر هستی شناسی و معرفت شناسی و روش شناسی - که به دلیل فلسفی بودن تعریف این سه، از بسط آن ها در اینجا خودداری به صدد -پسامدرنیستی قابل درک است (کسرایبی، 19 : 1388 )

هرچند گفتمان مسئله ای زبانی است، اما با توجه به غنی بودن بار اطلاعاتی آن در دیگر رشته های علوم انسانی نیز موردتوجه قرار گرفته است. مردم شناسان و قوم نگاران، پژوهشگران علوم ارتباطات و نشانه-شناسی و چندین حوزه دیگر نیز هر یک به نوعی گفتمان را مرتبط باکار خود معرفی می کنند و درنتیجه با رویکرد خاص رشته خود به ارائه چارچوب های نظری و انباشت دانش می پردازند ( آقاگل-زاده، .) 1 : 1383 پس اهداف تحلیل گفتمان می توان به نشان دادن تأثیر بافت متن و بافت موقعیتی بر روی

گفتمان، نشان دادن بی ثباتی معنا، یعنی معنا همیشه در حال تغییر است؛ هرگز کامل نیست و هیچ وقت به طور کامل درک نمی شود تلقی کرد

(تاجیک و دیگران،، 52 : 1378 )

تحلیل انتقادی گفتمان

مقوله سلطه و مولدان سلطه - بالاخص قدرت - حداقل از دوره روشنگری به بعد از پرابلماتیک های اساسی علوم انسانی و اجتماعی بوده است. این مسئله در عرصه مطالعات گفتمانی نیز وارد شده است. واژه «انتقادی» دال بر همین حساسیت به مقوله قدرت و سلطه در «تحلیل گفتمان انتقادی» است. از آنجاکه به گفته مک دائل وظیفه گفتمان، در بازتولید مناسبات سلطه اجتماعی از طریق کنترل معنا قرار و تثبیت مناسبات اجتماعی سلطه متضمن مناسبات گفتمانی و معناست را دارد. ظهور چنین گرایشی در مطالعات گفتمانی کاملاً توجیه پذیر است. از همین رو برخی از زبان شناسان انتقادی وظیفه اصلی تحلیل گفتمان را پیدایش و گسترش آگاهی می دانند. این وظیفه انتقادی نسبت به زبان به مثابه عاملی برای سلطه تلقی می کنند (مک دائل، 45: 1380)

تحلیل گفتمان انتقادی متضمن نظریه ای درباره قدرت است که به نحوی بیان شده است. لوکس دیدگاه های مختلف را در باب قدرت به سه بخش تقسیم می کند. در دیدگاه یک بعدی قدرت، سؤال تحلیل گر آن است که چه کسی تصمیم می گیرد. به عبارتی قدرت در زمان اخذ تصمیم مورد در دیدگاه دوبعدی قدرت «الف» انرژی خود را صرف ایجاد بررسی قرار می گیرد. یا تقویت ارزش های سیاسی، اجتماعی و رفتارهای نهادی شده ای می کند که قلمرو فرایند سیاسی را به ملاحظه عمومی مسائلی محدود می کند که در مجموع برای الف بی ضرر باشد. به عبارتی تلاش الف برای خارج کردن یک امر از دستور کار سیاسی نیز مورد ملاحظه قرار می گیرد.

در دیدگاه سه بعدی قدرت، باور لوکس براین است که اعمال قدرت فقط در حالت ستیز بالفعل بروز نمی کند، بلکه مؤثرترین حالت استفاده از قدرت، جلوگیری کردن از بروز همین ستیز است. لوکس می نویسد «آیا این حد بالای قدرت و مودیانه ترین نحوه اعمال آن نیست که با شکل دادن به درک مفهومی، شناخت و ترجیحات مردم، در حد ممکن مانع نارضایتی مردم شویم، به گونه ای که پذیرای نقش خود در نظم موجود شوند» (لوکس، 1375)

با این نگاه به قدرت، تحلیل گفتمان انتقادی دربرگیرنده تحلیل ابعاد دوم و سوم قدرت است. نخست این که زبان نقش اساسی در پنهان کردن برخی از اصلی ترین مسائل از عرصه تصمیم گیری دارد. دوم این که تحلیل گفتمان انتقادی قادر است «تزویر زبان» را که در دیدگاه سوم قدرت به نحوی مورد توجه است، به شکل انتقادی بررسی کند.

تحلیل گفتمان انتقادی علاوه بر همنوایی با نظریه قدرت لوکس، متضمن وجه دیگری از نظریه قدرت نیز هست. مطابق با فرض هر پژوهش گفتمانی، ارتباطی ماهوی میان ذهن و زبان وجود دارد. زبان، بازنمایی ذهنی هر رخداد ارتباطی را کنترل می کند. به همین دلیل، ساختار سخن و متن قادر به کنترل کردن ذهن

است. از این روست که تحلیل گرانی نظیر ون دایک براین باورند که جامعه و گفتمان از طریق ذهن به هم مرتبط می شوند. به این ترتیب گروه هایی که قادرند بازنمایی های دلخواه خود را به واسطه زبان در اذهان ایجاد کنند، قدرت را در اختیار خواهند داشت. با توجه به مطالب فوق، می توان تحلیل گفتمان انتقادی را دربردارنده توجه به عمیق ترین و ظریف ترین وجه اعمال قدرت در اجتماع دانست.

(تاجیک، 87 : 1383) اما وارد شدن در بحث تحلیل گفتمان انتقادی، با پیش فرض هایی که گفته شد، متضمن داشتن نظریه ای درباره ایدئولوژی و کارکردهای آن است. صورت های زیرکانه سلطه که برای کشف آن ها تحلیل گفتمان انتقادی لازم باشد، از رهگذر ایدئولوژی ها بیان می شود. به عقیده فرکلاف، ایدئولوژی متکفل بازنمودن جهان از دید منافی ایدئولوژی همچنین در خدمت آن است که فرد را از فرایندی که وی را خاص می کند، در چارچوب ساخت و نهاد سلطه قرار داده است ب یخبر نگه می دارد. ایدئولوژی همچنین به کمک فرایند طبیعی کردن Normalization بازنمودهای ایدئولوژیک (از دید منافی خاص) را به صورت گزاره های عقل سلیم درمی آورد. کوشش انتقادی نیز به معنای زدودن این طبیعی شدگی هاست. تحلیل گفتمان همچنین متضمن نظریه ای درباره ایدئولوژی است که در تعارض با برداشت مارکسیستی از ایدئولوژی قرار دارد. ایدئولوژی در معنای مارکسیستی، یعنی طبقاتی دارد

و بابیان اقتصادی مرتبط است. تحلیل گفتمان انتقادی حاصل نگاهی به ایدئولوژی است که اولاً ایدئولوژی را صرفاً مقوله ای طبقاتی نمی بیند و الزاماً هم تحلیل ایدئولوژیک را قاب لتقلیل به زیربنای اقتصادی نمی داند (فرکلاف، 93 : 1379)

ون دایک خلاصه برداشتش از نظریه عمومی ایدئولوژی را در موارد ذیل بیان می کند:

ایدئولوژی های نظام های باور Systems of Belief هستند- این نظام باورها در بین گروهی از مردم مشترک است -هر گروه دارای باورهای مشترک دیگر از جمله دانش و نگرش نیز هست- باورهای مشترک میان یک گروه را می توان بازنمایی اجتماعی Social Representation نیز نامید- ایدئولوژی ها، باورهای بنیادی و نظم دهنده این بازنمایی های اجتماعی اند -هر گروه علاوه بر باورها یا بازنمایی های مشترک، زمینه فرهنگی مشترکی هم دارد

-این زمینه فرهنگی مشترک برای گروه های دیگر نیز بنیاد شناخت است. به بیان خود ون دایک، آنچه در عرصه اجتماعی مناقشه ای بر سر آن نیست، وجه ایدئولوژیک ندارد. ایدئولوژی ها هم فردی و هم اجتماعی اند.



از آن جهت فردی اند که به مثابه نظام باورها در ذهن فرد جای دارند و به مثابه امر اجتماعی در بین افراد گروه مشترک اند. ایدئولوژی‌ها اساساً حاوی گزاره‌های ارزیابی کننده هستند. (van dijk, 2001: 142).

از این رو در بین رویکردهای مختلف به تحلیل گفتمان انتقادی، پنج ویژگی

مشترک وجود دارد. ب. هواسطه همین ویژگی‌های مشترک است که این

رویکردها جزئی از یک جنبش به حساب می‌آیند: نخست اینکه فرایندها

و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تا حدودی ویژگی‌زبانی-گفتمانی دارند.

دوم؛ گفتمان هم سازنده است و هم ساخت هشده، سوم؛ کاربرد زبان باید

به نحو تجربی و درون بستر اجتماعی خودش تحلیل شود، چهارم؛ گفتمان

کارکردی ایدئولوژیک دارد و درنهایت پنجم اینکه؛ پژوهش انتقادی است،

یعنی اینکه خود را به لحاظ سیاسی بی طرف نمی‌داند و مصر است که

وضعیت موجود را تغییر دهد ( « فیلیپس و یورگنسن، .) 115 : 1389 تحلیل

انتقادی گفتمان خود را به لحاظ سیاسی بی طرف نم‌یداند، بلکه خود را

رویکردی انتقادی به شمار می‌آورد که به لحاظ سیاسی متعهد به تغییر

است. رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی تحت عنوان رهایی بخشی جانب

193

## جلد دوم

گروه‌های اجتماعی ستم‌دیده را به صیرند. رویکردهای تحلیل گفتمان به

گفتمان و ایدئولوژی متفاوت است و برخوردار یا عدم برخوردار آن‌ها

از روش تجربی و پیشینه تاریخی بعد دیگری است که ای‌نهارا از یکدیگر

مجزا می‌سازد

(فیلیپس و یورگنسن، .) 116 : 1389

درواقع تحلیل انتقادی گفتمان مورد توجه قشر گسترده ای از نظر پردازان قرار گرفته است. بای نحال در زمینه تحلیل گفتمان از بعد اجتماعی، مؤثرترین دیدگاه به « نورمن فر کلاف » اختصاص دارد. فر کلاف چارچوب سودمندی برای تحلیل گفتمان ب همثابه کارکرد اجتماعی تدوین کرده است. چارچوب نظری فر کلاف حاوی گستره متنوعی از مفاهیم است که در یک مدل سه بعدی بیان شده اند.

«نکته مهم رویکرد فر کلاف این می باشد که وی معتقد است گفتمان گونه مهمی از کارکرد اجتماعی است که دانش، هویت ها و روابط اجتماعی از جمله مناسبات قدرت را بازتولید کرده، تغییر می دهد و هم زمان سایر کارکردها و ساختارهای اجتماعی به آن شکل می دهند. به این ترتیب فر کلاف ساختار اجتماعی را روابط اجتماعی در کل جامعه و نهادهای خاص و درعی نحال متشکل از عناصر گفتمانی و غیر گفتمانی می داند»

(فیلیپس و یورگنسن، 117 : 1389)

فر کلاف تحلیل متن را بر دو گونه می داند: تحلیل زبا نشناختی و تحلیل بینا متنی. او براین باور است که تحلیل زبا نشناختی دامنه ای بسیار گسترده دارد که علاوه بر سطوح متعارف آن ( نظیر واج شناسی، دستور زبان تا حد تحلیل جمله و واژگان و معناشناسی)، مسائل فراتر از حد جمله در متن را نیز تحلیل می کند، مسائلی همچون انسجام بین جمله ای و جنبه های گوناگون ساختار متون که مورد بررسی تحلیل گران مکالمه قرار به صیرد» یکی از این جنبه ها ویژگی های گفتگو از جمله سازما ندهی

نوبت در گفتگو است (« فر کلاف، .) 121 : 1379 جانستون به نقل از فر کلاف می نویسد: متون می توانند آثار و رد دیگر متن ها را به شیوه های مختلفی در خود داشته باشند که از تکرار مستقیم متن تا اشاره ای مبهم و غیرمستقیم درج هبندی می شوند. یک متن می تواند به متنی دیگر ارجاع دهد و یا اینکه خلاصه-ای از آن را برگیرد.

(مک دائل، .) 164 : 1380

194

### مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات پایداری

از دید فر کلاف، گفتمان همان زبان ب هممنزله کنش اجتماعی است. این تعریف با تعریف گفتمان تحت عنوان کاربرد زبان دارای شباهت ها و تفاوت هایی است. شباهتشان در این است که گفتمان طوری به کاررفته است که به مفهوم قطعه ای از زبان به هنگام کاربرد واقعی است و تفاوتشان نیز از دو جهت است، نخست ای نکه زبان به مثابه کنش اجتماعی با کاربرد زبان متفاوت است؛ زیرا در این حالت زبان با دیگر کنش های اجتماعی پیوند می خورد و صرفاً ب همثابه حوزه ای متفاوت رها نمی شود. دوم تصور م یشود که فر کلاف برخلاف سنت دوقطبی نگری زبانشناسی پسا سوسوری که در پی یافتن نوعی رابطه بین زبان و اجتماع است، سعی دارد نشان دهد که کاربرد زبان ب هخود یخود همیشه عملی اجتماعی است. علاوه براین چنین اعمالی، اعمال فردگرایانه کاربران زبان در انزوایی زبان شناختی نیز نیستند؛ بلکه تحت حاکمیت شرایط ایدئولوژیک و اجتماعی گسترده تر جامعه قرار دارند.

بامطالعه و تعمق مطالب فوق می توان به این نتیجه رسید که تحلیل انتقادی گفتمان واکنشی به خأ موجود در پژوهش های توصیفی زبانی است .این نوع تحلیل دستاوردهای توصیفی تحلیل گفتمان را مفید اما کافی نمی داند و ادعا دارد که سطح های توصیف تحلیل گفتمان باید همان نخستین سطح های چارچوب تحلیل جامعه باشند که هدف هایش از بیان ویژگی های صوری یک متن (گفتمان) بسیار فراتر می رود و به نتیجه گیری و دریافت های انتزاعی تر و عمیق تر می رسد.

ادعای تحلیل انتقادی گفتمان این است که کردارهای گفتمانی در خلق و بازتولید روابط نابرابر قدرت میان گروه های اجتماعی مثلاً میان طبقات اجتماعی، زنان و مردان، اقلیت های قومی و اکثریت نقش دارد و این تأثیرات را ب همثابه تأثیرات ایدئولوژیک پنداشته اند بنابراین تحلیل انتقادی گفتمان به این معنا انتقادی است که هدفش آشکار ساختن نقش کردارهای گفتمانی در جهان اجتماعی است؛ ازجمله آن نوع روابط اجتماعی ای که شامل روابط نابرابر قدرت اند که هدفش سهیم شدن در ایجاد تغییرات اجتماعی در راستای روابط متعاد لتر قدرت در فرایند ارتباطات و در جامعه به طور عام است.

ب هخوبی نشان می دهد او براین باور است که قدرت هم مسئول خلق جهان اجتماعی ما و هم مسئول نحوه شکل گیری خاص این جهان و نحوه امکان گف توگو درباره آن است. وی گفتمان را بخشی از یک شبکه پیچیده اجتماعی فرهنگی و سیاسی محسوب می کند که در آن ساختارهای گفتمانی، منظومه ایده ها و نقطه نظرات در نهایت شیوه اندیشه و رفتار در زمینه های اجتماعی خاص اند (فرقانی، 9: 1382 از آنجای یک ماهیت و کارکردهای گفتمان هر عصر ویژگی های خاص خود را دارد و مولد گفتمان بدون تأثیر پذیری از این شرایط عینی نمی تواند گفتمانی تولید کند به همین دلیل فوکو گفتمان ها را نه به دلیل معانی نهفته در آن ها بلکه برای درک شرایطی مطالعه می کند که گفتمان ها در آن ها پدیدار می شوند. همچنین دگرگونی هایی که گفتمان ها سبب آن ها می شود (عضدانلو، 55: 1380 همچنین می توان گفت، در واقع تحلیل انتقادی گفتمان مرکز توجه به جنبه های مختلف گفتمان است و از منظر انتقادی ویژگی های زبان شناختی، جامع هشناختی، تعاملی و فرهنگی گفتمان را در چارچوبی واضح بیان و تحلیل می کند. به عبارتی دیگر، به توضیح و ارتباط متن با زیربنای فکری- اجتماعی اش می-پردازد. تحلیل انتقادی گفتمان، گفتمان را یک عمل زبانی در بستر جامعه تعریف می کند و معتقد است تحلیل چنین عمل یا رخدادی باید علاوه بر توصیف عنصرهای زبانی موجود در گفتمان به صورت جداگانه، به ارتباط این عنصرها در زمینه گسترده تر خود یعنی در کل گفتمان و نهایتاً در بستر اجتماعی آن بپردازد. بدین ترتیب، پژوهشگر نه تنها به سؤال

«گفتمان موردبررسی دارای چه ویژگی هایی است؟» م یپردازد، بلکه به این سؤال که «این ویژگی ها چگونه با حوزه های جامع هشناسانه و اندیشه نگارانه حاکم بر گفتمان ارتباط پیدا می کند و چه پیامدی به همراه دارند؟ نیز پاسخ می دهد. تحلیل انتقادی گفتمان، به تحلیل خود چارچوبی فرا زبان شناسانه می دهد و در مواردی می تواند آن را تبدیل به نقطه تمرکز مطالعات استراتژیک در حوزه های ایدئولوژی سیاسی کند».

196

### مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات پایداری

#### گفتمان امام خمینی در بزرگداشت مقام شهدا و رزمندگان

متون منتخب

نمونه اول 0 ( ۵ / 06 / ۱۳۶۳ )

بس مالله الرحمن الرحیم

1- ما را چه رسد که با این قل مهیای شکسته و بیآن های نارسا در وصف شهیدان و جانبازان و مفقودان و اسیرانی که در جهاد فی سبیل الله جان خود را فدا کرده و یا سامت خویش را از دس ت داده اند یا به دست دشمنان اسلام اسیر شد هاند مطلبی نوشته یا سخنی بگوییم.

2- زبان و بیان ما عاجز از ترسیم مقام بلند پایه عزیزانی است که برای

اعای کلمه حق و دفاع از اسلام و کشور اسلامی جانبازی نمود هاند.

3- الفاظ و عبارات توان توصیف آنانی را که از بیت مُظلم طبیعت ب هسوی

حق تعالی و رسول اعظمش هجرت نموده و به درگاه مقدسش باریافت هاند،

ندارد. از مجاهدینی که سنگرهای نبرد را تبدیل به مساجد و میدان های

جهاد را با بانگ تکبیر مهبط ملائکه الله نمود هاند، چگونه سخن توان گفت؟ در اقدام شریف مادران بزرگواری که در دامنه ای مطهر خود چنین فرزندی را برای اسلام تربی نکرد هاند، چه می توان نثار کرد؟

4- و برای اسیرانی که در زندان های مخوف دشمن شجاعانه بر سر دشمنان بشریت فریاد می کشند چگونه توان تعظم نمود؟

5- پس با اعتراف به عجز، برای شهیدان آرزوی رحمت خاص الهی و برای جانبازان، این شهیدان زنده، سامت و برای اسرا و مفقودین عزیز و دلیر، آرزوی بازگشت به میهن و برای مادران و پدران و همسران و فرزندانشان، این نمون ههای صبر و مقاومت، صبر و سعادت دارین [دو جهان] و برای رزمندگان در جبه ههای حق علیه باطل، پیروزی درخواست م ینماییم.

6- سام و درود خداوند بر همگان و دعای خیر بقیه الله الأعظم - ارواحنا فداه شامل تمامی آنان باد. والسام علیهم و رحمه الله.

(صحیفه نور، ج 19، 40 - 41)

197

جلد دوم

نمونه دوم ( 010 / 136 / 64 )

بس مالله الرحمن الرحیم

1- اکنو نکه با عنایات حضرت رب الارباب و ادعیه حضرت بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و با فداکاری و جانبازی ملت بزرگ ایران و قدرت ایمان و ایثار سلحشوران عزیز در راه اهداف مقدس اسلام بزرگ و قرآن مجید، نظام جمهوری اسلامی ایران با سرفرازی و قدرت راه خود را یافته و با استواری

ب هپیش م یرود، برماست که با اعتراف به عجز خویش، از رزمندگان عزیزی که با شهادت طلبی ها و رشادت هایشان از میهن اسلامی خود دفاع نموده و با خون پاک خود چرا غهایی فرا راه آزادی تمام مل تهی در بند برافروختند قدردانی نماییم.

2- و نیز از مادران و پدران و خواهران و همسران و برادران بزرگواری که در پشت جبهه هها با جدیت تمام در دفاع مقدس از اسلام و کشور اسلامی به پشتیبانی از مجاهدان عزیز برخاسته و از هی چچیز کوتاهی نمی کنند و از تمام ملت بزرگ و متعهد که در تمامی صحن هها حاضرند، تشکر نماییم.

3- قلم و بیان من کوچ کتر از آن است که از عهده تشکر ای نهمه فداکاری برآید. خداوند تبارک و تعالی به همه آنان جزای خیر خواهد داد؛ و هما نگونه که آنان روی اسلام را سفید کردند، آنان را در بارگاه قدسش روسفید خواهد گرداند.

4- بارالها، اینان بندگان صالح تواند که در مجاهده راه تو از خود و عزیزان خود گذشتند و به آن افتخار می کنند. تو خود شهدای ما را در جوار رحمت خود جایگزین و معلولانمان را شفا و مفقودان و اسیرانمان را به دامان خانواده هایشان برگردان؛ و به همه ما صبر و توفیق عنایت فرما. إِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ.

(صحیفه نور، ج 19، 360 - 361)

198

مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات پایداری

توصیف



امام خمینی برای نگارش پیام خود- که انعکاسی از ارزش ها و باورهای منشعب از مکتب اسلام وی است -از واژگان منفی و مثبت بهره می جوید. در دو متن منتخب، واژگان، تعابیر و ترکیبات مثبتی که به کاررفته ب هقرار زیر است:

جهاد، سبیل الله، مقام بلندپایه، کلمه حق، دفاع از اسلام، جانبازی، حق تعالی، رسول، هجرت، درگاه مقدس، مجاهدین، مهبط ملائکه، اقدام شریف، دامن مطهر، شجاعانه، رحمت خاص، سامت، صبر، مقاومت، عزیز، دلیر، میهن، حق، پیروزی، سام و درود؛ عنایات، حضرت رب، فداکاری، ملت بزرگ، ایمان، ایثار، سلحشور، اهداف مقدس، استواری، شهادت، رشادت، میهن، دفاع، خون پاک، راه آزادی، قدردانی، پشتیبانی، مجاهدان، عزیز، متعهد، تشکر، جزای خیر، اسلام، سفید، بارگاه قدس، روسفید، صالح، بندگان، مجاهده، افتخار، رحمت، شفا، صبر و توفیق، عنایت . امام این معانی مثبت را برای قدردانی و بیان ارزش عمل رزمندگان بیان فرموده است و این هم موجب افزایش روحیه رزمندگان و هم تسکین آلام خانواده ی شهدا و اسرا و... به صشته است.

همچنین واژگان و تعابیری که بار معنایی منفی دارند عبارت اند از: شکسته، نارسا، اسیران، مفقودان، دشمنان، عاجز، مظلوم، زندان، مخوف، دشمن، اعتراف، عجز، باطل؛ عجز، مل تهای دربند، کوتاهی، کوچک تر، معلولان، مفقودان، اسیران .مقایسه فراوانی تعابیر مثبت در برابر تعابیر منفی نشان می دهد که امام فضایی از امید و تسکین را برای مخاطب خود

ترسیم نموده است.

در متن نمونه اول، دو گونه هویت مطرح می شود؛ « ما » و « دیگری ». « ما » در صف شهیدان و ایثارگران جای گرفته و به گروه خودی اطلاق گشته است و در مقابل آن، « دیگری » ب عنوان « دشمنان اسلام » (نمونه اول، بند 1) و « دشمنان بشریت » (نمونه اول، بند 4) معرفی ی شد ه اند . گوینده خود را با « ما » در یک جبهه می داند و واژگانی که معرف گروه های هویتی اند ب ه خوبی دیدگاه ایدئولوژیک گوینده که ناشی از مکتب اسلام است را آشکار می کند . به نظر می رسد هیچ گونه صلح و مسالمتی میان این دو گروه

199

## جلد دوم

وجود نخواهد داشت، چراکه طرف « دیگری » با عبارت « دشمنان اسلام و بشریت » معرفی شد ه اند . البته می بینیم که در طول سالیان رهبری امام -علی رغم آت شبس با عراق بعثی، ایشان هیچ گاه در برابر امریکا- که آن را علت اصلی جنگ می شناخت - کوتاه نیامده اند .

ارزش هایی که برای گروه خودی ذکر شده است عبار تاند از : جهاد کردن فی سبیل الله، دفاع از اسلام، جانبازی برای کشور اسلامی، هجرت به سوی خدا و رسول، تربیت اسلامی فرزندان توسط مادران، شجاعت در برابر دشمن و حق بودن . همچنین در نمونه اول [ضد] ارزش هایی بر « دیگری » حمل شده است : اسیر کردن جهادگران فی سبیل الله و باطل بودن [در برابر مفهوم حق].

در متن نمونه دوم، هویت « ما » آشکار است اما در نگاه اول هویت « دیگری »

روشن نیست؛ در اینجا نیز « ما » و خودی ها شامل ملت بزرگ ایران و رزمندگان می شود. با دقت در متن می توان به ماهیت گروه دیگری پی برد. آنجا که آمده است «... ایثار سلحشوران عزیز در راه اهداف مقدس اسلام بزرگ و قرآن مجید، نظام جمهوری اسلامی ایران با سرفرازی» «... نمونه دوم، بند 1 و «...» در دفاع مقدس از اسلام و کشور اسلامی» «... نمونه دوم، بند 2) خواننده می تواند به هویت خصم و دیگری معرفت یابد. این عبارات نشان می دهد که « دیگری »، دشمن اسلام، قرآن و نظام و کشور اسلامی است؛ بنابراین معنی « دیگری » در نمونه دوم تقریباً با نمونه اول مساوی است. ارزش های مطروحه در نمونه دوم برای گروه خودی عبار تاند از: فداکاری، دارای ایمان و اهل ایثار، رهرو اسلام و قرآن، استواری در هدف، شهادت طلب، پشتیبانی از مجاهدان، حضور در صحنه، گذشت از عزیزان در راه خدا. در نمونه دوم به ارزش های « دیگری » تصریح نشده است و تلویحاً همان چیزی است که بالاتر گذشت.

به طور کلی استفاده گوینده از تعبیر و واژگان مذکور در دو متن نشانگر فضای عقیدتی وی است. در این سیستم فکری، اسلام، شهادت، نظام و میهن است که ارزش می یابد و التزام به ای آنها معیار سنجش خواهد شد. امام ب ه عنوان رهبری سیاسی-دینی در جایگاهی بود که همه رسانه ها را در اختیار داشت و با ایجاد چنین گفتمانی فضای ذهنی و فکری جامعه را بنا می نهاد.

## تفسیر

درون مایه های پیام (متن اول)

- 1- بیان ناتوانی از توصیف عمل رزمندگان.
- 2- اهمیت تأثیر تربیت مادر بر فرزندان.
- 3- توصیف معنویت مجاهدین در جبهه.
- 4- دعای خیر برای دست اندرکاران در دفاع مقدس.
- 5- توجه به خانواده های شهدا، محرومان و اسرا.

درون مایه اصلی

امام در این پیام بر آن است که عظمت عمل رزمندگان و شهدا را بیان نماید و با ای نکه در 4 بند به ستایش آنان می پردازد امان هایتاً خود را از توصیف عظمت و بزرگی ایثار رزمندگان ناتوان معرفی می-نماید.

درون مایه های پیام (متن دوم)

1- نظام جمهوری اسلامی ایران با عنایت خدا، امام عصر و ایثار ملت ایران حرکتی به جلو دارد.

2- بیان عجز و ناتوانی در برابر عمل رزمندگان.

3- پیام شهدا به ملت های دربند و مظلوم عالم برای رسیدن به آزادی.

4- توجه به نقش خانواده و پشتیبانی آن ها در جنگ و حضور همیشگی ملت

در صحنه.

5- دعای خیر برای شهدا، جانبازان و اسرا.

درون مایه اصلی

امام ابتدا در این متن به مخاطب خویش حرکت روبه پیشرفت نظام ج.ا.ا. را القا می نماید و سپس همچون پیام اول، به ستایش عمل رزمندگان می پردازد و نیز خویش را ناتوان از توصیف رفتار مجاهدان می داند.

## تبیین

گفتمان امام خمینی بر عظمت اعمال و رفتار رزمندگان، ایثارگران، شهدا و اسرا دلالت دارد. ایشان به عنوان رهبری سیاسی-الهی و با آن اقتدار بالای خویش، هنگام گفتگو از شهدا و ایثارگران، خود را در برابر آنان ناتوان و عاجز می داند؛ و عمده پیام خود را به همین موضوع اختصاص می دهد. این موضوع مخاطب را عمق فداکاری و جانبازی رزمندگان رهنمون می شود.

در هر دو پیام امام، ایشان جایگاه خانواده رزمندگان و ایثارگران را یادآور به صردد و خصوصاً به وظیفه خطیر مادر در تربیت فرزند اشاره دارند. این چنین است که گفتمان امام فراگیر می شود و بخش بزرگی از جامعه انقلابی را تحت سیطره قرار می دهد.

زمانی که امام با اطمینان و یقین کامل بیان می دارد که «خداوند تبارک و تعالی به همه آنان جزای خیر خواهد داد» (نمونه دوم، بند 3) این یقین به مخاطب منتق لشد و باعث افزایش ایمان رزمنده به مسیری که گام گذاشته است، می شود.

## گفتمان آیت الله خامنه ای در بزرگداشت مقام شهدا و رزمندگان

### متون منتخب

نمونه اول ( ۱۳۷۴/ ۱۱/ ۱۹ )

بسم الله الرحمن الرحيم

- 1-صلوات و سلام حضرت حق متعال و برترین درود فرشتگان و بندگان صالح نثار روح مطهر شهیدان باد، که جان خود را نثار راه خدا کردند و از تعلقات زندگی به خاطر رضای دوست گذشتند و مصالح امت اسلامی را بر مشتهیات نفسانی ترجیح دادند. امروز پرچم اسلام در جهان، به برکت فداکاری شهیدان عزیز است که به اهتزاز درآمده و نام مبارک خداوند و عظمت اسلام به خاطر ایثار و تلاش آنان و دیگر مجاهدان راه حق است که فضای جهان را پر کرده است.
- 2-و همیشه چنین است: نیکی ها بر اثر فداکاری نیکان، گسترش می یابد و جاودانه می شود و خونهای مقدس فداکاران است که نهال فضیلت ها را در جهان، ریشه دار و آسیب ناپذیر می سازد.

3- امروز در نظام مقدس جمهوری اسلامی که پایگاه اسلام و سرچشمه عظمت و بالندگی نوین آن است، هم هچیز مدیون خون شهیدان عزیز است و همه روز، روز شهدا و ایثارگران است.

اینجانب به مناسبت امروز، تکریم قلبی خود را به سلاح شهیدان مظلوم جنگ تحمیلی و همه شهدای دوران مبارزه و انقلاب، تقدیم می‌دارم و برای اما م راحل بزرگوارمان که رهگشای شهادت و رهنمای شهیدان بود علو درجات مسئلت می‌کنم و به بازماندگان و خانواده‌های معظم شهدا درود می‌فرستم و فضل و لطف حضرت باری تعالی را برای جانبازان و آزادگان و اسیران و همه ایثارگران طلب می‌نمایم. والسلام علی جمیع عبادالله الصالحین.

(<http://www.leader.ir/fa/content/1243>)

نمونه دوم ( 06 / 07 / 1385 )

بسم الله الرحمن الرحيم

1- در روزی از هفته‌ی دفاع مقدس که بنام شهیدان مزین است، بیش از هر چیز باید به حق بزرگ این رادمردان بر کشور و ملت و تاریخ ایران، اندیشید. فداکاری آنان در عرصه انقلاب و دفاع نظامی، بود که استقلال ملی و حریم مرزهای جغرافیایی را صیانت کرد و امنیت را به کشور ارزانی داشت. دشمنان اسلام برای اینکه پرچم برافراشته حکومت اسلامی را درهم بپیچند و این نشانه امیدآفرین را از برابر چشم ملتهای مسلمان دور کنند، به تهاجم نظامی متوسل شدند و رژیم بعثی فاسد و گمراه را با تجهیزاتی هم هجانیه به جنگ ملت مؤمن و شجاع ایران فرستادند. مجاهدت این ملت بزرگ که دفاعی غیورانه از اسلام و جمهوری اسلامی بود و امت اسلامی را سرافراز کرد، از ایمان به ارزش شهادت و منزلت شهید، مایه گرفت و شوق فداکاری با این معرفت روشن، در دل‌های رزمندگان و خانواده‌هایشان، پدید آمد. برخی به این مقام والا رسیدند و برخی در انتظار آنان، جسم و جان خود را به میدان آوردند، فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر... و چنین شد که مجاهدت بی نظیر ملت ایران الگویی شد برای همه امت اسلامی که رمز عزت و استقلال و سعادت را که همان جهاد فداکارانه است، در عمل به همه نشان داد.

2- شهیدان نقاط مشعشع در این صفحه درخشان اند که مانند ستاره راهنما، راه را به همه نشان می‌دهند. رحمت و صلوات خدا بر آنان باد.

(<http://www.leader.ir/fa/content/2946>)

توصیف

آیت الله خامنه ای برای تأثیرگذاری پیام و اقناع مخاطب، تعابیر و واژگان سفید و سیاه (مثبت و منفی) را به خدمت گرفته است. با نگاهی به دو متن و تعابیر آن رنگ ایدئولوژی اسلامی به وضوح در نمونه ها مشاهده می شود. واژگان و تعابیر مثبت به قرار زیر هستند:

صلوات، سلام، حضرت حق، فرشتگان، بندگان صالح، روح مطهر، شهیدان، راه خدا، مصالح، امت اسلامی، پرچم اسلام، فداکاری، برکت، مبارک، خداوند، عظمت اسلام، ایثار، تاش، مجاهدان، راه حق، نیکی ها، نیکان، فداکاری، جاودانه، مقدس، نهال فضیلت ها، آسیب ناپذیر، پایگاه اسلام، عظمت، بالندگی، تکریم و (... نمونه اول)؛ دفاع مقدس، شهیدان، مزین، حق، رادمردان، فداکاری، صیانت، امنیت، امید، ملت مؤمن و شجاع، مجاهدت، ملت بزرگ، غیورانه، اسلام، سرافراز، ایمان، معرفت، روشن، سعادت و (... نمونه دوم).

در برابر این معانی مثبت، تعدادی واژه و ترکیبات منفی نیز در متن به شرح زیر دیده می شود:

تعلقات زندگی، مشتتهیات نفسانی (نمونه اول)؛ دشمنان اسلام، تهاجم نظامی، رژیم بعث، فاسد، گمراه، جنگ (نمونه دوم).

چنانکه به وضوح ملاحظه می شود در هر دو پیام، بار معنایی تعابیر مثبت به طرز چشمگیری بر تعابیر منفی غلبه دارد. در نمونه اول برای پی بردن به هویت ها باید قدری دقیق تر عمل شود.

در بند 3 ضمیر «اینجانب» استفاده شده است و این ضمیر ارتباطش با ستایش شدگان در بند 1 روشن می شود؛ بنابراین می توان گفت گروه خودی در اینجا همچنان شامل ایثارگران و شهدا است؛ اما آیا گروه «دیگری» در نمونه اول جایی دارد؟ در نگاه اول پاسخ منفی است، چون اشاره واضحی به آن ها نشده است. دقت در عبارت «... که جان خود را نثار راه خدا کردند...» (بند 1) نشان می دهد که گروه خودی در مقابل کسانی جنگیده اند که موضعشان «ضد راه خدا» قرار داشته است. لذا گروه «دیگری» همان گروه ضد دین و دشمن اسلام هستند.

ارزش های گروه خودی: نثار جان در راه خدا، گذر از زندگانی به خاطر رضای خدا، ترجیح مصالح امت اسلامی بر نفسانیات، گسترش نیکی.

در نمونه اول از ارزش های گروه دیگری صحبت نشده است.

در نمونه دوم گوینده در مقام موعظه و تذکر صحبت کرده و می توان فهمید که آن گروهی که موردستایش هستند، همان گروه «خودی» می باشد. در این نمونه، «دیگری» به صراحت بیان شده است و شامل دو زیرمجموعه است. 1: دشمنان اسلام و 2: رژیم بعثی [به عنوان پیرو مورد قبل]. ارزش های گروه خودی:

فداکاری در انقلاب و دفاع، صیانت از حریم کشور، ملتی مؤمن و شجاع، مجاهدت، سرافراز نمودن اسلام و امت اسلامی، ایمان به شهادت، الگو شدن برای امت اسلامی.

ارزش های گروه دیگری: دشمنی با اسلام، ضدیت با حکومت اسلامی، مهاجم، فساد و گمراهی

### تفسیر

درون مایه های پیام (نمونه اول)

- 1- درود و اهدا سلام به شهدایی که جان در راه خدا فدا کردند.
- 2- شهدا از نفسانیات و زندگانی دنیوی در راه خدا چشم پوشیدند.
- 3- عظمت اسلام و اهتزاز پرچم آن مرهون فداکاری شهیدان است.
- 4- خون مقدس نیکان ریشه فضائل را آسیب ناپذیر می کند.
- 5- نظام ج.ا.ا. سرچشمه عظمت اسلام گشته است.
- 6- تکریم شهدای جنگ و انقلاب از جانب رهبری.
- 7- یادآوری اینکه امام خمینی راهگشای شهادت بود.
- 8- توجه به خانواده های شهدا.
- 9- دعای خیر برای همه ایثارگران.

### درو نمایه اصلی

رهبر معظم انقلاب در این پیام به مخاطب خود تذکر می دهد و یادآوری می نماید که شهدا و عمل آنان موجب عظمت و افتخار در درجه اول برای اسلام و در درجه دوم برای نظام مقدس ج.ا.ا. شده است. به عبارتی دیگر ایشان قصد بیان عظمت مراتب عمل شهدا را دارد.

### درون مایه های پیام (نمونه دوم)

- 1- سفارش به تفکر در حقی که شهدا بر کشور و ملت ایران دارند.
- 2- یادآوری اینکه امنیت کشور مدیون فداکاری شهداست.



3- بیان این نکته که رژیم بعثی توسط دشمنان بزرگ تری تحریک شده بود.

4- مجاهدت ملت ایران ناشی از ایمان به شهادت بود.

5- مقاومت مردم ایران به الگویی بدل شده است.

6- شهدا راهنمای همه هستند.

## درو نمایه اصلی

گوینده بایبانی آمیخته با عرفان و به مناسبت هفته دفاع مقدس، از حق شهدا در تضمین امنیت کشور سخن گفته است و ثمره رشادت ملت ایران را، الگو شدن برای سایر مسلمین قلمداد نموده است.

## تبیین

با بررسی متون نمونه روشن می شود که مقام شهید در گفتمان آیت الله خامنه ای از جایگاه رفیعی برخوردار است و با بهترین تعابیر آنان را می ستاید. به نظر می رسد باگذشت دو دهه از انقلاب اسلامی و تثبیت جایگاه آن، ایشان این مطلب را در هر دو متن به مخاطب خودالقا می کند و این تثبیت را هم آشکارا ثمره مجاهدت رزمندگان و شهدا می داند. (نمونه اول، بند 1 و نمونه دوم، بند 1).

نکته ای که در متن نمونه دوم جلب توجه می کند، معرفی «دیگری» است.

رهبر انقلاب بی آنکه نامی از عراق برده باشد دشمن اصلی را باصفت «دشمن اسلام» معرفی کرده است. درواقع جنگ هشت ساله را نتیجه توطئه دشمنان اسلام معرفی نموده و «رژیم بعث» را کارگزار آنان می داند. به نظر می رسد علت اینکه رهبری عراق را عامل جنگ معرفی نکرده است را باید در عامل زمان جست. با توجه به دو مورد می توان به منظور گوینده پی برد. 1. تاریخ پیام؛ که در سال 85 انتشار یافته است؛ و 2. سقوط رژیم بعث در سال 83.

رهبری به خوبی می داند که فصل تازه ای در عراق شروع شده و دیگر حاکمان سابق و بعثی جایی در آن کشور نخواهند داشت؛ بنابراین برای اینکه مخاطب را متوجه تغییرات سازد و به آنان بفهماند که باید حساب کشور عراق را- به عنوان یک همسایه -از سیستم حکومتی سابقش جدا کنند، از عبارت «رژیم بعثی» استفاده کرده است. چراکه هم نشینی نام عراق با دشمن یا حتی رژیم بعثی می-تواند خاطره جنایات هشت ساله را در اذهان مردم ایران زنده کند و اذهان عمومی را در برابر تحولات عراق قرار دهد.

## نتیجه گیری

این مقاله در سه بخش توصیف، تفسیر و تبیین به بررسی سخنان امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای درباره‌ی شهدا و ایثارگران پرداخت. حال می‌توان حاصل مطلب را نیز با مقایسه‌ای میان آن سه بخش بیان نمود. در بخش توصیف، هر دو رهبر انبوهی از واژگان و تعابیر مثبت را نسبت به تعابیر منفی استفاده‌نموده‌اند، این واژگان مثبت با تأثیری که بر مخاطب به صدارد فضایی معنوی و ملکوتی را رقم زده و در هر دو پیام، تشویق به ایثار و شهادت و دفاع از اسلام برجسته است.

هر دو رهبر هنگام متمایز کردن هویت‌ها، «خودی» را به عنوان مدافع اسلام و نیکی‌ها و «دیگری» را به عنوان دشمن اسلام و انسان معرفی نموده‌اند. این نشان می‌دهد که آن‌ها دشمن را فراتر از کشوری بانام عراق شناخته‌اند و به همین جهت است که رهبر انقلاب در پیام سال 85 برای تمایز عراق از نظام بعث، دشمن را نه عراق بعثی، بلکه رژیم بعث معرفی نموده است. در همین راستا می‌توان در بیانات هر دو رهبر، تلویحاً ستیز همیشگی میان حق و باطل را مشاهده کرد؛ طبیعی است وقتی که «خود» مدافع اسلام باشد و «دیگری» دشمن اسلام تا زمانی که دشمنی با دین و آیین «خودی» هست، جنگ و جهاد هم علیه آن دشمن خواهد بود.

در بخش تفسیر و بررسی درون‌مای‌های متون، ملاحظه می‌شود که در مرتبه نخست رهبران انقلاب به ستایش عمل رزمندگان، شهدا و ایثارگران پرداخته‌اند. در مراتب بعد و در هر 4 متن نمونه، از خانواده شهدا و ایثارگران یاد رفته است که این به نوبه خود مایه دلگرمی خانواده‌هایی می‌شود که به نحوی از جنگ آسی‌بدیده و دچار فقدان عزیز شده‌اند. اینکه بالاترین مقام کشور از آنان یاد کرده مایه تسکین آلامشان به صیقلیده است.

درون‌مایه دیگری که قابل توجه است، تأکید بر پیشرفت نظام و حرکت روبه‌جلوی آن است که در کلام هر دو قابل درک است. نهایتاً بخش تبیین بررسی متون نشان می‌دهد که در گفتمان رهبران جمهوری اسلامی شهیدان همیشه مورد تکریم و دارای والاترین

## منابع

### الف. کتاب‌ها

- 1- آقاگل زاده، فردوس، (1383) «روش‌شناسی تحقیق در تحلیل گفتمان انتقاد»، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی
- 2- تاجیک، محمدرضا و دیگران، 1378 درآمدی بر تحلیل گفتمان، تهران: فرهنگ گفتمان.

- 3- تاجیک، محمدرضا، 1383 گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- 4- حدیث ولایت، (5 ج)، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی - دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای.
- 5- حکیمی، محمدرضا، 1360، الحیاه، قم: دایره چاپ و نشر تحت سرپرستی جامعه مدرسین قم.
- 6- سلطانی، سید علی اصغر، 1383، قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در مطبوعات، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- 7- صحیفه نور، (ج 13)، انتشارات سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 8- عضدانلو، حمید، 1380، گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی.
- 9- فخام زاده، مهدی، 1375، نقش نهادهای کلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی.
- 10- فرقانی، محمدمهدی، 1382، راه دراز گذار»، تهران: نشر فرهنگ اندیشه.
- 11- فرکلاف، نورمن، 1379، تحلیل انتقادی گفتمان»، (ترجمه فاطمه شایسته پیران و...)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- 12- فیلیپس، لوئیز و یورگنسن، ماریان، 1389، نظریه و روش در تحلیل گفتمان»، (ترجمه: هادی جلیل)، تهران: نشر نی.
- 13- لوکس، استیون، 1375، قدرت، نگرشی راد کیال»، (ترجمه عماد افروغ)، مؤسسه خدمات فرهنگی رسانه.
- 14- مارش، دیوید و استوکر، جری، 1378، روش و نظریه در علوم سیاسی»، (ترجمه حاجی یوسفی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 15- م کدائل، دایان، 1380، قدم های بر نظریه های گفتمان»، (ترجمه حسی نعلی نودری)، تهران: فرهنگ گفتمان.

لاتین

Hegemony and Sociologist Strategy. London: ,)1985( ,.Laclau, M. and mouffe, C  
.verso -16

Multidisciplinary CDA: a plea for diversity. In ,)2001( ,.Van Dijk, Teun A -17  
.methods of critical discourse analysis, London: Sage

## ب. مقاله ها

18- کسرایي، محمد سالار، 1388، نظريه گفتمان لاكلا و موفه ابزاري كارآمد در فهم و

تبیین پدیده های سیاسی « ، سیاست، دوره . 39 شماره . 3 پاییز

19- لطفی پورساعدي، كاظم، 1372، درآمدی به سخن كاوی « ، زبان شناسی، ش 17

20- نامور مطلق، بهمن، 13390، هنرمندها و تاریخ نشانه ها -بررسی رابطه هنر و تاریخ در فلسفه هنر معاصر  
«، مجله میناب، شماره 21 ، مهر

21- هوارث، مايكل، 1377، نظريه گفتمان « ، ترجمه علی اصغر سلطانی، علوم سیاسی،

سال اول، شماره 2. پاییز.

## سایت

22- نمونه اول متن امام خمینی:

<http://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh?volume=19&tid=13>

23- نمونه دوم متن امام خمینی:

<http://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh?volume=19&tid=178>

24- نمونه اول متن رهبر انقلاب:

<http://www.leader.ir/fa/content/1243>

25- نمونه دوم متن رهبر انقلاب:

[http://www.leader.ir/fa/content/2946\\_\\_](http://www.leader.ir/fa/content/2946__)